



Analysis of Cohesion and Coherence in Surah al-Nabà Based on de Beaugrande's Theory and Organic Unity

Alireza Nazari¹ , Khadijeh Zarei² 

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author) Email: a.nazari@hum.ikiu.ac.ir
2. Graduate in Arabic Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Email: kadijeh_zarei94@yahoo.com

Extended Abstract

Research Objective

The objective of this study is to examine and analyze the factors of cohesion and coherence in Surah al-Nabà (Qur'ān 78) in order to clarify how its verses, despite thematic diversity, exhibit a coherent and purposeful structure. By focusing on conceptual links between verses, rhetorical and linguistic organization, semantic oppositions such as this world and the hereafter, and denial and certainty, as well as meaningful repetition, the study seeks to elucidate the internal cohesion of the Surah and to demonstrate that all its components are harmoniously and systematically organized in accordance with its central message—namely, the emphasis on resurrection and the response to the doubts of the deniers.

Research Methodology

This study adopts a descriptive-analytical approach grounded in the seven standards of textuality proposed by de Beaugrande, alongside the principles of organic unity, to examine the textual style of the Surah in question. By analyzing surface-level cohesion devices and underlying semantic coherence relations, the research attains a holistic understanding of the interconnections among the components of the text, thereby offering a renewed perspective on its organic unity. Accordingly, the study addresses the following questions: How do cohesion and coherence factors contribute to linking the components of the text, and in what ways do these connections give rise to semantic and thematic unity and integrity?

Findings

The analysis of Surah al-Nabà reveals that a network of cohesion and coherence factors operates in the service of the Surah's thematic content and plays a significant role in conveying meaning to the reader. The Surah presents the fate and destiny of two groups of human beings—sinners and the righteous—in both this world and the hereafter. The events and spatial settings are arranged in a narrative framework marked by contrast, which facilitates the transmission of the intended meaning.

Received: 2024-05-22 | Received in revised form: 2024-08-07 | Accepted: 2024-08-11 | Published online: 2026-04-21

◆ How to cite: Nazari, A. R. and Zarei, K. (2026). Analysis of Cohesion and Coherence in Surah al-Nabà Based on de Beaugrande's Theory and Organic Unity. (e256-279). *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 10(18), e256-279 doi: [10.22034/sshq.2024.458852.1463](https://doi.org/10.22034/sshq.2024.458852.1463)



The findings further indicate that cohesion and coherence devices in this Surah are consistently aligned with its central theme. A set of cohesive mechanisms, including ellipsis, conjunction, and reference, establishes semantic connections between the two principal scenes. An examination of attributes and descriptive expressions shows that the events ultimately refer to a specific focal essence, with references to the Day of Resurrection occurring more frequently than other types of reference. All cohesion-building elements relate to two temporal domains, two spatial domains, or two described entities, reflecting the cohesion and organic unity among the events of the Surah. Moreover, the presence of diverse semantic relations enables the reader, through their recognition, to discern a coherent relationship between the questions and answers articulated within the Surah.

Conclusion

The events in Surah al-Nabà (Qur'ān 78) unfold in a gradual and stepwise manner, encompassing two distinct scenes: one associated with this world and the other with the hereafter. The use of cohesion devices—such as ellipsis, conjunction, and reference—establishes meaningful semantic links between these two scenes. Furthermore, an analysis of attributes and definitions indicates that the events refer back to a specific central essence, with references to the Day of Resurrection predominating over other forms of reference. This demonstrates that the events of the Surah revolve around the theme of the Day of Judgment.

The text of Surah al-Nabà employs a range of factors—including time, place, attributes, and a series of events related to the creation of the universe—whose coherent interrelations, along with the connection between imagery and thematic content, cause the Surah to serve purposefully in expressing lofty objectives that guide human life and destiny. The Surah contains cohesive information and interconnected events that begin with God's creation of the universe and culminate in human felicity or misguidance, contingent upon conscience and will. In this context, the initial interrogative verse and its subsequent response, the harmony among diverse events, their temporal progression from this world to another, and the implicit contrast between this world and the hereafter, together with the explicit depiction of events on the Day of Resurrection and the witnessing of the consequences of deeds, render the text of the Surah coherent, persuasive, and acceptable to the reader.

Keywords: Textual cohesion; De Beaugrande's approach; Surah al-Nabà; Holy Qur'ān; Organic unity

تحلیل عوامل انسجام و پیوستگی در سوره‌ی نبأ براساس نظریه‌ی دوبوگراند و وحدت اندام وار

علیرضا نظری^۱، خدیجه زارعی^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران، (نویسنده مسؤول)،

ایمیل: a.nazari@hum.ikiu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، ایمیل: kadijeh_zarei94@yahoo.com

پژوهشی



چکیده

در سوره نبأ حوادث و رویدادها در ارتباط با یکدیگر آمده‌اند، ارتباط بین اجزای متن که از طریق عوامل روساختی انسجام و زیرساختی پیوستگی قابل دریافت است می‌تواند به نوعی بیانگر سبک متن در شیوه کاربرد این عوامل انسجامی باشد و قرآن به شکل عام و سوره نبأ به شکل خاص می‌تواند چگونگی این سبک‌شناسی در عوامل را تبیین و تقویت نماید و به نوعی وحدت اندام وار متن را اظهار نماید. دوبوگراند در مطالعات معناشناسانه خود و نظریه خویش، عوامل چهارگانه را معرفی کرده است که تمامی ابعاد لغوی و غیر لغوی متن را در برمی‌گیرد، با توجه به اینکه جستار حاضر با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و براساس عوامل هفتگانه نظریه‌ی "دوبوگراند" و عوامل وحدت اندام وار به بررسی سبک متنی در سوره‌ی مذکور پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که عوامل پیوستگی و انسجام در این سوره در خدمت بیان موضوع سوره؛ یعنی وصف حال نیکوکاران و گناهکاران قرار گرفته است. بدین صورت که مجموعه عوامل پیوستگی؛ از جمله حذف، وصل و ارجاع سبب شده است که میان دو صحنه‌ی مذکور ارتباط معنایی برقرار شود و با توجه به صفات و تعاریف در این سوره می‌توان چنین گفت که رویدادها در آن به ماهیتی مشخص برمی‌گردند که از میان آنها ارجاع به روز محشر نسبت به دیگر موارد بیشتر است. همه‌ی عوامل انسجام‌بخش به دو زمان یا دو مکان یا دو موصوف برمی‌گردند که این امر بیانگر انسجام و وحدت اندام وار میان وقایع در این سوره است. از سویی دیگر؛ وجود انواع روابط معنایی سبب شده است که خواننده با درک آنها، ارتباط منسجمی میان پرسش و پاسخ‌های سوره‌ی مذکور بیابد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، سوره نبأ، انسجام متن، رویکرد دوبوگراند، وحدت اندام وار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

♦ استناد به این مقاله: نظری، علی رضا و زارعی، خدیجه . (۱۴۰۵). تحلیل عوامل انسجام و پیوستگی در سوره- ی نبأ براساس نظریه‌ی دوبوگراند و وحدت اندام وار. (۲۷۹-۲۵۶). *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*. ۱۰ (شماره اول)، ۲۷۹-۲۵۶
doi: 10.22034/sshq.2024.458852.1463

زبان‌شناسی متن شاخه‌ی نوپایی است که به بررسی روابط فراتر از یک جمله می‌پردازد. قرآن کریم کلامی برای همگان است که درک معنای آن نیازمند توجه به همه‌ی روابط میان آیات و سوره‌های آن است. یکی از دانش‌هایی که به درک و تحلیل متن قرآن کریم می‌پردازد، زبان‌شناسی متن است که شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است که به جای جمله بر متن تأکید می‌کند. قرآن کریم متن بهم پیوسته و منسجمی است که در هر سوره از آن شاهد اعجاز و سبکی منسجم هستیم. دانشمندان و معناشناسان دیدگاه‌های گوناگونی در مورد متن دارند. از دیدگاه "فاینرش بارت" متن از اجزایی تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباط هستند و از این اجزا برای فهم کلی متن استفاده می‌شود. "رقیه" و "حسن" اعتقاد دارند که اگرچه جمله، واحد اساسی در بررسی‌های نحوی است، ولی متن نیز مجرد از سلسله جمله‌های بزرگ نبوده و ساختار در بافت مختلف است که واحد دلالتی را تشکیل می‌دهد و واحدی است که در بردارنده‌ی معنا و سیاق می‌باشد. (قیاس، ۲۰۰۹: ۲۲-۲۱) "دیوگران" نیز هفت مؤلفه‌ی مهم برای متن برشمرده‌اند که عبارتند از: پیوستگی، انسجام، بینامتنیت، هدفمندی، حاوی اخباری بودن، موقعیت، پذیرفتنی بودن و دو مؤلفه‌ی مهم از دیدگاه آنها، انسجام و پیوستگی است و از ویژگی‌های عمومی متن قرآن کریم انسجام و پیوستگی میان آیات آن است. متن قرآن کریم بگونه‌ای منسجم است که گویی یک کلمه‌ی واحد است و انسجام و پیوستگی میان آیات نقش بسزایی در تحلیل و تفسیر آنها دارد. سوره‌ی "نبأ" هفتاد و هشتمین سوره از سوره‌های مکی قرآن است که جزء سی‌ام قرآن با آن آغاز می‌شود. این سوره در مورد روز قیامت و رویدادهای آن سخن می‌گوید و به وصف جایگاه و حالت‌های گناهکاران و نیکوکاران در آن روز می‌پردازد. در سوره‌ی مذکور، وقایع و رویدادها به ترتیب در یک فضا و زمان هماهنگ رخ داده است که در این میان نقش عوامل پیوستگی و انسجام در بهم پیوستگی حوادث بگونه‌ای است که بیانگر ارتباط میان آنها می‌باشد. با توجه به اینکه در سوره نبأ حوادث و رویدادها در ارتباط با یکدیگر آمده‌اند، ارتباط بین اجزای متن که از طریق عوامل روستاختی انسجام و زیرساختی پیوستگی قابل دریافت است می‌تواند به نوعی بیانگر سبک متن در شیوه کاربرد این عوامل انسجامی باشد و قرآن به شکل عام و سوره نبأ به شکل خاص می‌تواند چگونگی این سبک‌شناسی در عوامل را تبیین و تقویت نماید و به نوعی وحدت اندام وار متن را اظهار نماید. ما در این پژوهش با اتکا به تحلیل عوامل روستاختی انسجام و زیرساختی پیوستگی معنایی به نگرشی کلی از پیوند اجزای متن دست می‌یابیم که می‌تواند هویتی تازه به وحدت انداموار باشد. با ذکر این سوالات که عوامل انسجام و پیوستگی چگونه در پیوند اجزای متن مشارکت دارند؟ و این پیوند چگونه می‌تواند وحدت و یکپارچگی معنایی و محتوایی متن را به وجود بیاورد؟

۱-۱- پیشینه

از جمله تحقیقات ارزشمندی که در مورد بررسی متن قرآن از حیث وحدت اندام وار، نظریه دبوگراند و سوره نبأ نوشته شده است می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- حسین محسنی، افسون رزمی، (۱۳۹۸ ه.ش) در مقاله‌ی خود با عنوان "بررسی کاربری عوامل هفتگانه متن وارگی دی بوگراند در توسعه‌ی دلالتی در قرآن کریم" به بررسی کاربری معیارهای متن وارگی در توسعه‌ی دلالتی در قرآن کریم می پردازند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که علاوه بر دو معیار انسجام و پیوستگی، حضور پررنگ چند معیار فرامتنی مانند «پذیرفتنی بودن» و «موقعیت» نیز سبب تولید معنای بیشتر یا همان «توسعه‌ی دلالتی» آیات برای مخاطب و مترجم شده‌اند.

۲- محمد سعید مراد (۲۰۲۲ م) در مقاله‌ی خود با عنوان "السبک النصی فی قصه آدم علیه السلام فی سورة البقرة" سوره‌ی مذکور را از نظر انسجام که یکی از هفت معیاری است که "دو بوگراند" معرفی کرده، مورد ارزیابی قرار داده است. علت گزینش این موضوع توسط نویسنده، بحث و جدل بسیار مفسران در تفاسیر خود بوده است. نویسنده در این مقاله، ارجاعات (از جمله: ارجاع به ضمائر، اسم‌های موصول و اسم‌های اشاره) را سبب تناسب متن قصه‌ی بنی آدم می داند. به عبارتی دیگر؛ هرگاه این ضمائر در متن بکار رفته‌اند، سبب استحکام و انسجام متن شده‌اند. همچنین نویسنده در این مقاله به بررسی عوامل انسجام؛ از جمله تناسب و ارجاع نیز پرداخته است.

عبد الله الزهیری (بی تا). در مقاله خود تحت عنوان «الوحدة العضویة فی القرآن الکریم» به بررسی عوامل وحدت اندام وار در قرآن کریم براساس دیدگاه نقادان معاصر و قدیم پرداخته است و وحدت عضویت و وحدت موضوعی را در قرآن را که یکی از جنبه‌های اعجازهای قرآن برشمردند.

محمد أحمد (۲۰۱۸) در مقاله خود تحت عنوان «الوحدة العضویة فی القرآن الکریم» به بررسی عوامل وحدت اندام وار در متن قرآن کریم پرداخته است و نتایج این پژوهش مبین آن است تغییر هر آیه، حرف، و واژه وزن آیات را در قرآن کریم بر هم میزند و در متن قرآن کریم بین سوره‌های مختلف وحدت موضوعی وجود دارد.

سیفی محسن و دیگران (۱۳۹۲ م). در مقاله خود تحت عنوان «آواشناسی فاصله آیات در سوره نبأ» و به واکاوی مقاطع صوتی آن به گونه آماری پرداخته و بدین دریافت رسیده است که با تغییر مضمون آیات، حروف روی فاصله دگرگون میشود و با تغییر سیر خطاب، مقطع صوتی، از مغلق به مفتوح گرایش مییابد. قرآن، سوره نبأ، آواشناسی، فاصله، مقطع صوتی مقدمه یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که باعث شگفتی و اعجاب می‌گردد چگونگی چینش واژگان و به نظم کشیدن آنها در سلک آیات است؛ به گونه‌ای که اسرار و حکمت‌های

فراوانی را در خود نهفته دارد و به عنوان منبعی سرشار در استخراج نکته ها و ظرافت های تفسیری به شمار می آید.

بازگری، احمد تیموری، دیگران (۱۴۰۲م). در مقاله ی خود تحت عنوان «تحلیل مؤلفه های انسجام براساس الگوی فرانقش متنی هالیدی». با هدف بازبینی تحلیل گفتمان سوره نبأ در سطح فرانقش متنی طبق فرضیه نقشگرای هالیدی است از این رو با بررسی شکل مبتدا خبری و اطلاعی سوره نبأ و درک اجزاء و فنون خلق همبستگی نویسندگان به این نتیجه رسیدند که سوره نبأ از دیدگاه گفتمان بر اساس مکالمه پرسش و پاسخ بوده و در همبستگی متن آن ادات متعدد و گوناگونی موثر است که میزان بهره گیری از این فنون همبستگی دستوری لغوی یا معنایی با هم متفاوت است.

فلاحی، کتابون، دیگران (۱۳۹۷م) در مقاله خود تحت عنوان «آشنایی زدایی و برجسته سازی نحوی و بلاغی در سوره نبأ در راستای تبیین اعجاز ادبی قرآن کریم به بررسی نظریه آشنایی زدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه «نبأ» از بعد نحوی و بلاغی پرداخته است. نتیجه پژوهش نشان می دهد که عناصر سازنده آن از قبیل معرفه و نکره، تقدیم و تاخیر، حذف و ذکر، التفات، تکرار، جملات معترضه و... از پربسامدترین نمونه های برجسته سازی در این سوره مبارکه به شمار می آیند.

با وجود این تحقیقات ارزشمند، در زمینه ی زبان شناسی متن در قرآن کریم نیاز به نگارش پژوهش های بیشتر، ضروری به نظر می رسد. نگارندگان پژوهش حاضر هیچ پژوهشی نیافته اند که به تحلیل سوره ی «نبأ» براساس عوامل متنیت «دو بوگراند» وحدت اندام وار پرداخته باشد، بنابراین در جستار حاضر تلاش شده تا انواع عواملی که سبب پیوستگی و انسجام سوره ی مذکور و همچنین عواملی که سبب وحدت اندام وار آن شده اند، مورد بررسی قرار گیرند و در پایان به نتایج بدست آمده اشاره شود.

۲- عوامل متنیت متن از نظر دیوگراند

مفهوم «متنیت» یا «متن بودگی» مفهومی در زبان شناسی و نظریه ی ادبی است که نمایان گر متن است. مفهوم متن بودگی کلیه ی ویژگی هایی است که متنی را به متن دیگر تبدیل می کند؛ یعنی موجبات متن گونگی را فراهم آورده است. در برخی منابع اصطلاح «متنیت» را معادل «متن شدگی» در نظر گرفته اند که منظور از آن همان «متن بودن متن» است. (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۸۸) "دو بوگراند" از زبان شناسانی است که متن را رخدادی ارتباطی می دانند و برای آن معیارهایی را تعیین می نمایند. از دیدگاه آنها چنانچه در هر متنی یکی از معیارها رعایت نشود، آن متن، ارتباطی نیست و منجر به برقراری رابطه نمی شود؛ لذا نامتن است. (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۲)

در رویکرد "دو بوگراند" (۱۹۸۱م) که از زبان شناسی متن نشأت می گیرد، ساخت متن

براساس سه محور بافت خرد و کلان و دانش تجربی تولیدکنندگان شکل گرفته است. از دید آنان متن نوعی نمود ارتباطی است که با هفت ویژگی خود به عنوان «اصول تشکیل دهنده‌ی متن» عمل می‌کند. از آن میان دو ویژگی انسجام و پیوستگی، متن محور و سایر ویژگی‌ها (هدفمندی، توازن، پذیرش، اطلاع‌دهندگی، موقعیت‌مندی و بینامتنیت) کاربرمحور هستند. (دوبوگراند، ۲۰۰۲: ۱۴) از مضمون انسجام‌مثنیت که "دوبوگراند" ارائه نموده، می‌توان دریافت که تکیه‌ی او، برخلاف "هالیدی" و "حسن" است که بیشتر بر مباحث ساختاری و نحوی جمله استوار بوده‌اند؛ فرق دارد و تکیه دوبوگراند بیشتر بر جنبه‌های معنایی متن است و همچنین هلیدی و حسن کاربرد شناختی متن‌وارگی را دخیل می‌نمایند و صرفاً به جنبه‌های صوری متن اکتفا نمی‌کنند در حقیقت؛ متن را بجای جمله ارزیابی می‌نمایند. (احمدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰). دوبوگراند الگوی کامل و جامعی را ارائه نموده است او متن را نوعی نمودار ارتباطی می‌داند که عبارتند از: انسجام، پیوستگی، هدفمندی بودن، پذیرفتنی بودن، حاوی اطلاعات بودن، ویژگی موقعیتی، ویژگی درون‌متنی باشد).

ویژگی‌های متن از دیدگاه نظریه‌ی دوبوگراند عبارتند از:

انسجام: «عاملی است که مؤلفه‌های رو ساختی متن را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ روابط پیوستگی در درون جمله اغلب با روابط ساختاری نحوی هم‌پوشی دارد (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). رابطه‌ی پیوستگی بین دو یا چند عنصر متن هنگامی برقرار می‌شود که تعبیر و تأویل چند عنصر در گفتگو، به یکی از عناصر دیگر وابسته باشد، بدین معنی بدون توسل جستن به دیگری متن به صورت مناسب قابل درک نباشد، نخستین معیار از اصول هفتگانه سازنده مثنیت سازنده‌ی مثنیت از نظر دوبوگراند است. عوامل انسجام از نظر دوبوگراند شامل موارد زیر می‌باشد:

تکرار لفظ: عبارت است از تکرار عینی عبارت‌ها، ممکن است عناصر تکرار شده دارای مرجع واحد یا متفاوتی باشند. میزان محتوایی و مفهومی که ممکن است از این ارجاعات بدست آید، برحسب تنوع می‌تواند گوناگون باشد.

تعریف: حدی است که می‌توان براساس آن ماهیت متن را در یک نقطه مشخص کرد، سپس آن را به ماهیت اولی که در ابتدا ذکر شده است، بازگرداند.

اتحاد مرجع: به کار بردن عبارت‌های سطحی گوناگون برای نشان دادن یک امر واحد در متن است.

ارجاع قبل از ذکر: نوعی ارجاع است که ضمیر قبل از متن می‌آید.

ارجاع بعد از ذکر: نوعی ارجاع است که ضمیر به مابعد برمی‌گردد.

ارجاع به خارج از متن: در این نوع، ارجاع ضمیر به خارج از متن برمی‌گردد. می‌توان آن را براساس بافت موقعیت ترکیب کرد.

حذف: حذف عبارت‌های سطحی است که براساس قرائن مفهومی و لفظی در ذهن تداعی می‌گردد. (حسان، ۱۹۹۸: ۱۰۴-۱۰۳).

دومین معیار از معیارهای که در زبان‌شناسی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد پیوستگی است که به روابط معنایی اشاره دارد که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط جدا می‌کند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳). دوبوگراند عوامل انسجام متن را مستلزم اعمالی می‌داند که عوامل شناخت را برای یافتن روابط مفهومی و ارجاع به آن فعال می‌کند و عوامل انسجام را عبارت می‌داند از: ۱- عناصر منطقی مانند سبب و عموم خصوص ۲- اطلاعات در مورد وقایع، اطلاعات، رویدادها و کارها و مواضع در هر متن. - تجربه انسانی و پشتیبانی از تعامل اطلاعات ارائه شده توسط متن با دانش قبلی از جهان بنابراین انسجام ما را وا دار می‌کند که به دنبال انواع روابط معنایی و مفهومی که منجر به انسجام می‌شود باشیم (حسان، ۱۹۹۸: ۱۰۳).

بینامتنیت

این عامل که ذیل عامل روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد به زمینه‌هایی مربوط می‌شود که در آن متن با دانش اطلاعات قبلی دریافت کننده از متون وابسته است و دریافت کننده با کمک اطلاعاتی که از متن‌های قبلی دارد مفهوم فعلی متن را دریافت می‌نامید.

حاوی اخبار بودن

متن ارائه شده باید حاوی اطلاعات مفیدی باشد و رویدادهای مورد انتظار و قطعی را برساند چنانچه متن بیان کننده اطلاعات مفید نبوده یا اطلاعات آن ناقص و کم ارزش باشد، سبب آشفتگی ذهنی و خستگی مخاطب و حتی طرد و نفی متن از سوی مخاطب می‌گردد و به متنیت آن آسیب می‌رساند.

قابلیت پذیرش متن به نوع نگرش و طرز تلقی دریافت کننده متن در فرآیند ارتباط متن می‌پردازد، بگونه‌ای که متن باید حاوی وقایع و اطلاعات منسجمی باشد تا دریافت کننده بتواند با آن ارتباط برقرار کند و آن را بپذیرد (دوبوگراند، ۱۹۸۱: ۱۱ و ۱۲).

این عامل به ارتباط میان متن و اوضاع بافتی و محیط وقوع آن می‌پردازد و معنا و کاربرد متن را با توجه موقعیت کاربرد آن تعیین می‌کند.

۳- عوامل زمینه ساز در معاییر هفت گانه متنیت دوبوگراند:

دوبوگراند عوامل هفتگانه متن وارگی زیر مجموعه دو عامل لغوی و غیر لغوی دانسته‌اند که غیر لغوی خود به سه دسته ذهنی، روانی و اجتماعی تقسیم بندی می‌شود. به عوامل لغوی و عوامل ذهنی، روانی و اجتماعی تقسیم بندی می‌شود. به عوامل لغوی و عوامل

ذهنی، روانی و اجتماعی عوامل چهار گانه متنیت می‌گویند «عامل لغوی [متنی] همان است که متن و تعبیر لغوی در گفتمان را به همدیگر مرتبط می‌کند و شامل دومعیار از معایبر هفتگانه است. اولینشان "انسجام" است که این معیار به ظاهر متن اهتمام دارد و در حقیقت شامل بر قوانین ارتباط بین عناصر ظاهر متن است و دوم پیوستگی معنایی است و آن راهی برای ارتباط افکار در درون متن است (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). عامل غیر لغوی اگر از نوع روانشناسانه باشد «مشمول بر سه معیار از عوامل هفت گانه است: بینامتنیت، ویژگی موقعیتی و حاوی اخباری بودن. عامل غیر لغوی اگر از نوع ذهنی باشد «مشمول بر یک معیار از معیارهای هفت گانه مزبور و آن «پذیرفتنی بودن» است همچنین با ویژگی موقعیتی دو عامل روانی نیز مشترک می‌باشد (همان: ۱۰۱). در این جستار عامل لغوی (متنی) یعنی مؤلفه‌های روساختی و ژرف ساخت طبق نظریه دوبوگراند مورد بررسی قرار گرفته است:

وحدت اندام وار

وحدت در لغت به معنای یگانه شدن است. این واژه به معنای یکی بودن و یگانه بودن است. کلمه در اصل اسم و از ریشه وحد می‌باشد. وحده در اصطلاح یعنی تبدیل شدن موارد متکثر و متعدد به یک چیز و همچنین کلمه عضویت، در اصطلاح به معنای زیر مجموعه یک مجموعه یا گروه قرار گرفتن است که مجموع آن گروه سبب اتحاد خواهند شد. حال در یک متن، مجموعه عواملی که عضو آن متن هستند می‌توانند سبب اتحاد یا وحدت هماهنگی آن متن شوند. نگاه از دو منظر قابل بررسی است یکی از حیث وحدت اندام وار و دیگری از حیث انسجام؛ این موضوع سبب انسجام بین لایه‌های درون از حیث مضمون و ظاهر خواهد شد، در متنی که دارای وحدت اندام وار است از حیث موضوع منسجم است و امکان تقدیم و تأخر عبارات وجود ندارد و وحدت اندام وار سبب وحدت فکر و شعور احساس و افکار است متن خواهد شد. در متن قرآن کریم به علت توجه زیاد به صنایع ادبی، تصویر پردازی، قدرت وصف و دقت نظر و مهارت در انتخاب واژگان و ابداع ترکیب‌های تازه از ارزش هنری بالایی برخوردار است که به سبب وحدت اندام وار بین سوره‌های قرآن است.

۴- عوامل انسجام (Cohesion) در سوره نبأ

۴-۱- اتحاد مرجع

یکی از مواردی که "دوبوگراند" در بحث انسجام بدان اشاره نموده است، اتحاد مرجع است. در متن سوره نبأ «خداوند متعال در پی تذکر و هشدار و یادآوری نعمت‌های خود است و در همین راستا بیشترین ضمیری که در این سوره تکرار شده، ضمیر متکلم است که بصورت درون متنی به خداوند متعال برمی‌گردد. به عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره

نمود که در آنها تکرار ضمیر و ارجاع به مرجعی واحد بیانگر سبک برجسته و منحصر بفرد این سوره از نظر پیوستگی متن است:

﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتاً﴾ (نبأ/۹) ﴿وَجَعَلْنَا اللَّیْلَ لِبَاساً﴾ (نبأ/۱۰) ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً﴾ (نبأ/۱۱)

در جدول زیر تعدادی از پربسامدترین ضمایری که دارای مرجع واحدی هستند، بیان شده است:

ضمیر	تعداد ارجاع واحد	نوع ارجاع	مرجع
نا	۱۵	درون متنی	خداوند
ون	۸	برون متنی	گناهکاران
کم	۳	درون متنی	انسان

۴-۲- ارجاع ضمایر به ماقبل

همانگونه که اشاره شد، "دوبوگراند" ارجاع بوسیله‌ی ضمایر را به انواع گوناگونی تقسیم نموده‌اند. یکی از آنها، ارجاع به ماقبل است. در متن سوره‌ی "نبأ" تعداد ارجاع‌های ضمیر به ماقبل نسبت به تعداد ارجاع‌های ضمایر به مابعد، بیشتر است و از میان تعداد ضمایری که به ماقبل برمی‌گردند، تعداد ضمایری که به نیکوکاران و گناهکاران برمی‌گردند، نسبت به دیگر ضمایر بیشتر است. به عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفازاً﴾ (نبأ/۳۱). ﴿حَدائقٌ وَأَعْناباً﴾ (نبأ/۳۲). ﴿وَكَوَاعِبُ أَتْرَاباً﴾ (نبأ/۳۳) ﴿وَكَأْساً دِهَاقاً﴾ (نبأ/۳۴). ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْواً وَلَا كِذاباً﴾ (۳۵)

در اینجا، بکارگیری کلمه‌ی «رستگاران» و ذکر ضمیر در آیه ۳۵ از سوره‌ی مذکور سبب پرهیز از تکرار شده و با ارجاع ضمیر به ماقبل و مرجعی واحد سبب پیوستگی میان آیات گشته است. از سویی دیگر؛ میان همه‌ی آیات مذکور با آوردن کلماتی که سبب وزن و آهنگ در این سوره شده، هماهنگی وجود دارد و همین امر تأثیر بسزایی در پیوستگی میان آیات در سوره‌ی مذکور داشته است. همچنین این سبک متنی؛ یعنی بکار بردن ضمایری که منجر به پیوستگی ارجاع ضمایر و ایجاد نوعی موسیقی و آهنگ میان آنها شده، بیانگر سبک بارز این سوره است. در جدول زیر بسامد تعداد ارجاع ضمایر به ماقبل در سوره‌ی «نبأ» ذکر شده است:

ضمیر	تعداد ارجاع به ماقبل	نوع ارجاع	ارجاع داده شده به
ون	۹	برون متنی	به نیکوکاران و بدهکاران
نا	۱۳	درون متنی	خداوند

ضمیر	تعداد ارجاع به ماقبل	نوع ارجاع	ارجاع داده شده به
أنا	۱	درون متنی	خداوند
تُ	۱	درون متنی	المرء
هم	۲	برون متنی	گناهکاران
هَاء	۲	برون متنی	جهنم
واو	۳	برون متنی	گناهکاران
هَاء	۱	برون متنی	نیکوکاران
هما	۱	برون متنی	السموات و الأرض
ها	۴	برون متنی	خداوند
ها	۱	برون متنی	آب
یاء	۱	درون متنی	انسان
هم	۱	برون متنی	کافرین
کم	۱	درون متنی	کافرین
کم	۶	درون متنی	مردم

"دوبوگراند" همانند دیگر نظریه پردازان زبان‌شناسی متن، ارجاع را به دو نوع ارجاع درون متنی و برون متنی تقسیم کرده‌اند که در سبک سوره‌ی "نبأ" شاهد هر دو نوع ارجاع هستیم:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ (نبأ/۱) ﴿عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ﴾ (نبأ/۲). ﴿الَّذِی هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾ (نبأ/۳)

ضمایر در سوره‌ی «نبأ» به دو صورت ارجاع به ماقبل و مابعد بکار رفته‌اند، تعداد ضمایر جمع در سوره‌ی مذکور پس از ضمایر متکلم که به خداوند متعال برمی‌گردند، نسبت به دیگر انواع بیشتر است و در سراسر این سوره، ضمایر جمع به دو گروه نیکوکاران و بدکاران برمی‌گردند که این سبک هماهنگی در کل سوره به چشم می‌خورد. موضوع سوره، وصف قیامت و حال و نیکوکاران و بدهکاران است، بنابراین میان همه‌ی بخش‌های آن هماهنگی وجود دارد. در آیات ابتدایی سوره که به‌عنوان نمونه ذکر شده‌اند، ضمیر جمع به بدهکاران برمی‌گردد؛ زیرا آنها کسانی هستند که در مورد روز قیامت اختلاف دارند.

۴-۳- حذف

ساختار سطحی گاهی برعکس آنچه بیننده مشاهده می‌کند، ناقص است، زبان‌شناسان مرزهای مشخصی را برای درستی ساختار منطقی تعیین می‌کنند، گاهی کلمه یا عبارتی در جمله به سبب لفظی یا معنوی حذف می‌شود که از دیدگاه "دوبوگراند" این نوع حذف،

یکی از عوامل پیوستگی است. در سوره نبأ شاهد تعداد بسیاری از انواع حذف به قرینه‌ی لفظی یا معنوی هستیم که هیچ خللی در معنا و مفهوم آیات ایجاد نکرده‌اند. در این سوره تعداد انواع حذف جمله نسبت به دیگر انواع حذف بیشتر است. به عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا﴾ (نبأ/۲۴) ﴿إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا﴾ (نبأ/۲۵) ﴿جَزَاءً وَفَاءً﴾ (نبأ/۲۶)

در اینجا، عبارت ﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا﴾ در آیات ۲۴، ۲۵ و ۲۶ سوره نبأ حذف شده است. در این آیات گفته شده است که: نه خنکی چشند و نه شربتی؛ جز آنکه آب جوشان و چرکابه‌ای چشند. به عبارتی دیگر؛ می‌توان چنین گفت که در این آیات از تکرار فعل «يَذُوقُونَ» پرهیز شده و تنها یک بار بکار رفته که نه تنها حذف آن خللی در متن ایجاد نکرده؛ بلکه سبب حفظ نظم در آیات مذکور و همچنین آهنگین شدن کلام شده است. همچنین تکرار همین موسیقی سبب ارتباط میان آیات نیز شده است. بنابراین این سبک نه در معنای متن و نه ساختار آیات خللی ایجاد نکرده که این امر از ویژگی‌های بارز آیات سوره مذکور است.

حذف	شماره‌ی آیه	محدوف
جمله	۲۳	لا يذوقون فيها
جمله	۲۴	لا يذوقون فيها
جمله	۲۵	لا يذوقون فيها
اسم	۳۱	المتقين
اسم	۳۲	المتقين
اسم	۳۳	المتقين
جمله	۳۵	لا يسمعون فيها
اسم	۳۶	رب
جمله	۷	الم نجعل
جمله	۸	الم نجعل

۴-۴- وصل

وصل به امکان اجتماع عناصری از عناصر متن اشاره می‌کند که برخی از آنها با برخی دیگر در ارتباط هستند، وصل سبب ارتباط ماقبل به مابعد می‌شود (نظری، ۱۳۹۲: ۳۷). وصل به

وسیله‌ی ادوات ربطی در متن ایجاد می‌شود و به بررسی انسجام میان جمله‌ها می‌پردازند و میان گزاره‌های واپسین و پیشین پیوند برقرار می‌کنند (خطابی، ۱۹۷۶: ۲۷۷). میان همه‌ی روابط وصلی که در متن سوره‌ی "نبأ" آمده، نقش تعداد ارتباط معنایی که از طریق وصل زمانی صورت گرفته است، نسبت به دیگر انواع روابط بیشتر می‌باشد. این امر هماهنگی میان ساختار سوره‌ی مذکور را بخوبی نشان می‌دهد؛ زیرا رویدادها در آن بصورت پلکانی رخ می‌دهند:

﴿وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا﴾ (نبأ/۱۲) ﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا﴾ (نبأ/۱۳) ﴿وَجَنَّتِ الْأَفْأَفُ﴾ (نبأ/۱۶) ﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (نبأ/۱۷)

همانگونه که در آیات مذکور مشاهده می‌گردد، ابتدا خداوند متعال می‌فرماید: بر فراز شما هفت آسمان قرار دادیم و چراغی فروزان گذاردیم و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم تا بدان دانه و گیاه را برویانیم. ارتباط در این آیات بصورت سلسله‌وار و بهم پیوسته صورت گرفته و این امر سبب ارتباط معنایی میان عبارت‌ها شده است. در حقیقت؛ در سبک این سوره شاهد ارتباط پلکانی هستیم و در همه‌ی رویدادها نیز شاهد آغاز و پایانی می‌باشیم که بارها در این سوره تکرار شده که این امر هماهنگی میان دو موضوع نیکوکاری و بدکاری را که در این سوره رخ داده است، نشان می‌دهد. بنابراین ویژگی دوگانه‌ی هماهنگی میان عوامل وحدت اندام‌وار در این سوره و عواملی که سبب پیوستگی آن شده‌اند، از ویژگی‌های سبکی بارز سوره‌ی «نبأ» به‌شمار می‌رود.

وصل زمانی	سببی	وصل عکسی	اضافی
۲۵	۴	۲۰	۲۰

۴-۵- تکرار

در مطالعات زبانشناسی متن، تکرار به عنوان یکی از ابزارهای انسجام بخش متن معرفی می‌شود. بدین صورت ممکن است عنصر زبانی در قالب یک واژه یا جمله یا پاراگراف از ابتدا تا انتهای متن امتداد در کنار سایر مؤلفه‌های انسجام آفرین منجر به هم تنیدگی واژگانی واحدهای زبانی می‌گردد (حسان، ۱۹۹۸: ۳۱) در متن سوره‌ی «نبأ» همه‌ی عواملی که سبب پیوستگی متن شده‌اند، با یکدیگر هماهنگ هستند و همین امر بیانگر انسجام بیشتر متن در سوره‌ی مذکور است. همچنین یکی از مواردی که در این سوره نقش بسزایی داشته است، تکرار عینی حروف استهلالی در ابتدای آیات است:

﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا﴾ (نبأ/۹) ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ (نبأ/۱۰) ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ (نبأ/۱۱)

تکرار	تعداد تکرار	آیه
جعلنا	۴	۱۰، ۱۱، ۱۳
سيعلمون	۲	۵، ۴
يوم	۵	۱۷، ۱۸، ۳۸، ۴۰، ۳۹
كذب	۲	۲۸
رب	۲	۳۶، ۳۷
الارض	۲	۶، ۳۷
سما	۲	۱۹، ۳۷

۴-۶-تعریف

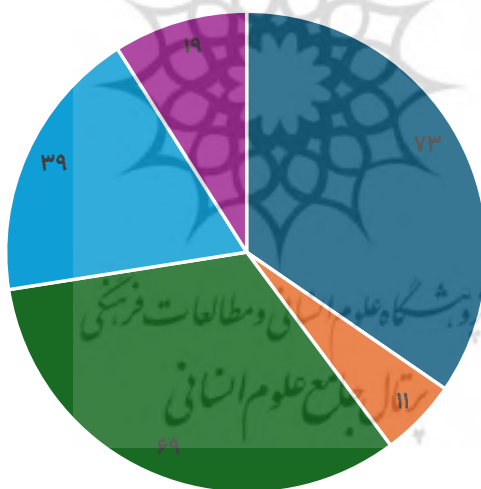
آن حدی است که می توان براساس آن ماهیت متن را در یک نقطه مشخص کرد، سپس آن را به ماهیت اولی که در ابتدا ذکر شده است، بازگرداند:

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (نبأ/۱۷) ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ (نبأ/۱۸) ﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ (نبأ/۱۹) ﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ (نبأ/۲۰)

در آیات مذکور از سوره ی "نبأ"، مقصود از ﴿يَوْمَ الْفُصْلِ﴾ و ﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ﴾، روز قیامت است و عبارت های ﴿كَانَ مِيقَاتًا﴾، ﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ﴾ و ﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ﴾ به روز قیامت برمی گردند. به عبارتی دیگر؛ ماهیت اول، روز قیامت است که در آن اموری مشخص مانند باز شدن آسمان و حرکت کوه ها به آن برمی گردند و هماهنگی میان صفات و برگشتن آنها به ماهیت های مشخص در آیات گوناگون این سوره بیانگر سبکی هماهنگ در آن است، همین امر که نوعی توازن در سوره ی مذکور ایجاد کرده، سبب ارتباط و هماهنگی عبارت ها در متن سوره شده است. در جدول زیر نمونه هایی که با بکارگیری تعریف سبب پیوستگی متن سوره ی «نبأ» شده اند، ذکر شده است:

تعریف	آیه	ارجاع به
مهداً	۶	الأرض
أوتاداً	۷	الجبـال
سببـاتاً	۹	نوم
لباساً	۱۰	اليل
معاشاً	۱۱	النهار
سبعاً شداداً، سراجاً وهاجاً	۱۱، ۱۲	فوق (آسمان)
حباً، نباتاً، ثجاجاً، ألفافاً	۱۴، ۱۵	من المعصرات (الماء)

تعریف	آیه	ارجاع به
میقثاً	۱۷	يوم الفصل
أفواجاً	۱۸	يوم
أبواباً	۱۹	السماء
سراباً	۲۰	الجبال
مرصاداً، مأباً، أحقاباً، برداً، شراباً، حميماً، غساقاً، وفاقاً	۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶	الجهنم
حساباً، كذاباً، كتاباً، عذاباً	۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰	المذنبون
مفازاً، أعناباً، أتراباً، دهاقاً، لغواً ولا كذاباً، حساباً	۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶	للمتقين
خطاباً	۳۷	رب
صواباً، مأباً، أتراباً	۳۸، ۳۹، ۴۰	يوم



تکرار ارجاع وصل حذف تعریف

۵- پیوستگی (coherence)

از دیدگاه "دوبوگراند" عوامل پیوستگی متن نیازمند اعمالی است که عوامل شناخت را برای یافتن روابط مفهومی و ارجاع به آنها فعال سازد، او عناصر پیوستگی را عبارت می‌دانند

از: ۱- عناصر منطقی مانند سببیت و عموم و خصوص. ۲- اطلاعات در مورد وقایع، رویدادها، اعمال و مواضع. ۳- تجربه‌ی انسانی و پشتیبانی از تعامل اطلاعات ارائه شده توسط متن با دانش قبلی از جهان. بنابراین انسجام ما را وادار می‌سازد که به دنبال انواع روابط معنایی و مفهومی که منجر به آن می‌شود، باشیم. (حسان، ۱۹۹۸: ۱۰۳). در ادامه براساس عناصر منطقی مانند سببیت و عموم و خصوص و اطلاعات در مورد وقایع رویداد و اعمال و مواضع و ارتباط آنها با مفاهیم ثانوی که طبق نظریه دیوگراند در زیر مجموعه هر یک از این عوامل قرار می‌گیرند به شرح و توضیح نقش هر کدام از این عوامل در انسجام سوره‌ی «نبأ» پرداخته می‌شود:

۵-۱- عوامل پیوستگی در سوره‌ی نبأ

۵-۱-۱- رابطه‌ی سببیت

این نوع رابطه میان دو واژه یا جمله برقرار می‌شود که یکی از آنها دلیلی بر دیگری است و به پیوستگی یک یا چندین جمله و یا میان واحدهای متن کمک می‌کند. در حقیقت؛ در این رابطه میان واژه، عبارت یا جمله‌ی سبب و نتیجه یک رابطه‌ی منطقی برقرار است؛ یعنی یکی دلیل وجود دیگری است و این دو ملازم و همراه یکدیگر هستند. (یونس، ۲۰۱۳: ۲۹۷) می‌توان گفت که در متن سوره‌ی «نبأ» غالباً در همه‌ی آیات رابطه‌ی سببیت وجود دارد و این رابطه‌ی سبب و نتیجه در متن این سوره بصورت افقی و عمودی و دور و نزدیک شکل گرفته است. در آیات زیر از سوره‌ی مذکور شاهد رابطه‌ی افقی میان آیات از نظر سبب و نتیجه هستیم و مضمون آیه‌ی اول سببی برای آیه‌ی دوم شده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ (نبأ/۱۴) ﴿لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا﴾ (نبأ/۱۵)

در آیات مذکور خداوند متعال فرموده است: و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم تا بدان دانه و گیاه را برویانیم. این امر بصورت پلکانی آمده و معنای آیه‌ی اول سببی برای آیه‌ی دوم شده که همین امر سبب ارتباط میان آیات و حفظ نظم و انسجام آنها شده است. تکرار رابطه‌ی معنایی سبب و نتیجه در این سوره نسبت به دیگر انواع روابط معنایی بیشتر است که این امر نقش هماهنگی و ارتباط منسجم میان آیات سوره را بخوبی نشان می‌دهد. ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ (نبأ/۱) ﴿عَنِ النَّبِئِ الْعَظِيمِ﴾ (نبأ/۲) ﴿الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾ (نبأ/۳) ﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ (نبأ/۴)

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ (۱۷)

در اینجا، آیات مذکور از سوره‌ی «نبأ» با پرسشی که آنها در مورد روز قیامت دارند، آغاز شده است، سپس در آیه‌ی ۱۷ به خبر یقینی که به وقوع خواهد پیوست اشاره می‌کند، بنابراین به وقوع پیوستن روز قیامت سببی برای ذکر این پرسش شده است و همین امر

ارتباط معنایی میان آیات را بخوبی نشان می‌دهد، ارتباطی که نقش بسزایی در انسجام میان آنها داشته است. همچنین بکارگیری حروف تأکید در پاسخ به یک شک، بیانگر ارتباط معنایی میان دو عبارت است.

در متن سوره‌ی «نبأ»، رویدادها بصورت منطقی، سلسله‌وار و مؤثر رخ داده‌اند و همین امر نقش بسزایی در پیوستگی و ارتباط معنایی سوره داشته است. به‌عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا﴾ (نبأ/۲۷) ﴿وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذْبًا﴾ (نبأ/۲۸) ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾ (نبأ/۲۹) ﴿فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا﴾ (نبأ/۳۰)
﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبأ/۲۱) ﴿لِلطَّاغِينَ مَأْبًا﴾ (نبأ/۲۲) ﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا﴾ (نبأ/۲۳)
﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا﴾ (نبأ/۲۴)

در آیات مذکور، رفتن به جهنم و چشیدن عذاب نتیجه‌ی عدم امید کافران به روز قیامت و نیز انکار آیات توسط آنان است. در اینجا چشیدن آتش جهنم، اثر و انکار کردن آیات، مؤثر به‌شمار می‌آید که این امر بیانگر ارتباط معنایی میان آیات است.

۵-۲- رابطه‌ی شرح و تفصیل

برای این رابطه قسم کلی‌تر عام، و قسم جزئی، خاص است و جزئی برای مشخص کردن آن عام طرح می‌شود و می‌توان آن را رابطه‌ی معنایی اجمال و تفصیل دانست که بیانگر روابط معنایی مستحکم در متن است، در این رابطه ابتدا نویسنده موضوعی را به صورت جزئی در آغاز متن مطرح می‌کند، سپس به شکل تفصیلی به توضیح آن می‌پردازد که کشف روابط این چنینی در راستای زبان‌شناسی متن است. (جاهمی، ۲۰۱۲: ۸۹). در سوره‌ی «نبأ» رویدادها به گونه‌ای آمده‌اند که در هر بخش از آیه می‌توان یک مفهوم عام در نظر گرفت که قسمت بعدی آیه به‌عنوان یک مفهوم خاص برای شرح و توضیح در مورد آن مفهوم عام بکار رفته است. در متن زیر ارتباط عام و خاص میان آیات وجود دارد:

﴿جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا﴾ (نبأ/۳۶) ﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ (نبأ/۳۱) ﴿حَدَائِقُ وَأَعْنَابًا﴾ (نبأ/۳۲) ﴿وَكُوعًا مِمَّا أَتْرَابًا﴾ (نبأ/۳۳) ﴿وَكَأَسَا دِهَاقًا﴾ (نبأ/۳۴) ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا﴾ (نبأ/۳۵)

در اینجا، عبارت «جَزَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا»، یک اجمال است که آیات مابعد برای شرح و توضیح آن و همچنین شرح و توضیح نعمت‌هایی که در بهشت به کسانی که راه راست پیشه کرده‌اند، بکار رفته‌اند. این امر سبب ارتباط معنایی میان مفهوم عام؛ یعنی بخششی که خداوند به انسان‌های سعادتمند ارزانی داشته و نیز انواع بخشش شده است؛

زیرا رستگاری یک مفهوم عام و انواع نعمت‌هایی که به پرهیزکاران ارزانی خواهد شد، یک مفهوم خاص است که به آن عام برمی‌گردد.

۵-۳-۱-نماد

یکی از مواردی که سبب وحدت اندام‌وار سوره نبأ در قرآن کریم شده، نماد است که از طریق استعاره قرار دادن نمادها سعی شده است به مضمون و موضوع سوره اشاره شود؛ به عبارت دیگر، در سوره «نبأ»، موضوع اصلی در مورد رویدادهایی است که در زمان قیامت برای بندگان رخ خواهد داد و کلمه «یوم» در این سوره نماد قیامت است؛ اسناد زمان به مکان است و خداوند متعال؛ هم با تکرار عینی کلمه‌ی «یوم» و اشاره به آن روز و هم به شکل تلویحی در هر کدام از آیات میان مضمون آیه و زمان، ارتباط و هماهنگی ایجاد کرده است، این تصویر هماهنگ از روز قیامت در سوره که در ذهن خواننده نقش بسته، یکی از مواردی است که سبب پیوستگی معنایی سوره‌ی مذکور شده است. همچنین این سبک برجسته و منحصر بفرد که در آن همه‌ی رویدادها؛ از جمله عوامل پیوستگی و انسجام که در خدمت موضوع قرار گرفته و سبب وحدت اندام‌وار آن شده‌اند، از ویژگی‌های بارز متن مذکور است.

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ (نبأ/۳۸)
 ﴿ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً﴾ (نبأ/۳۹)

۵-۳-۲-وحدت موضوع

یکی از مواردی که سبب وحدت اندام وار سوره نبأ شده است، وحدت موضوع می‌باشد در این سوره همه‌ی رویدادها و حوادث در سوره نبأ، به روز محشر و وضعیت دو گروه نیکوکاران و گناهکاران در آن روز مربوط می‌شود؛ بنابراین موضوع سوره روز محشر است که در آن دو گروه بدهکاران و نیکوکاران در مقابل هم قرار می‌گیرند که این امر سبب ایجاد یک نوع صنعت مقابله در سوره نیز شده است که در یک گروه نیکوکاران و در گروه دیگر بدهکاران در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ (نبأ/۳۱) ﴿حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا﴾ (نبأ/۳۲) ﴿وَكَوَاعِبَ أُنْرَابًا﴾ (نبأ/۳۳)
 ﴿وَكَاسًا دِهَاقًا﴾ (نبأ/۳۴) ﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا﴾ (نبأ/۳۵) ﴿جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا﴾ (نبأ/۳۶)

موضوع سوره‌ی "نبأ" حاوی اخبار و اطلاعات قابل پیش‌بینی و مفیدی است که با تصویرسازی شرایط دو گروه گناهکاران و نیکوکاران، ذکر رویدادهایی که بصورت واقعی در جهان حقیقی رخ داده و نیز ارتباط و هماهنگی میان بخش‌های گوناگون سوره صورت

گرفته است. همچنین پس از پرسشی که در ابتدا آمده است، به انسان عاقبت اعمالی که انجام داده است، یادآور شود. در حقیقت؛ طرح یک پرسش و پاسخ آن در خود آیه بیانگر ارتباط معنایی و همچنین هماهنگی میان مضمون و ساختار آیات است که نقش بسزایی در انسجام معنایی سوره‌ی مذکور داشته است.

۵-۳-۷- وصف فضای واحد

یکی از مواردی که نقش بسزایی انسجام سوره‌ی «نبأ» داشته تصویرسازی است که از دو مکان بهشت و جهنم صورت گرفته است و با استفاده از آن خداوند در پی وصف تصویر واحد است و همین امر سبب شده است سوره نبأ از این حیث، یک متن به هم پیوسته باشد و ارتباط معنایی بین لایه‌های درونی موجب ارائه تصویری واحد شده است. به عنوان نمونه، می توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ (نبأ/۲۰) ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبأ:۲۱) ﴿لِلطَّاغِينَ مَأْبَأٌ﴾ (نبأ:۲۲)

در آیات مذکور خداوند متعال اشاره کرده است که: کوه‌ها را روان کنند و (چون) سرابی گردند، آری جهنم (از دیرباز) کمین‌گاهی بوده و برای سرکشان بازگشت‌گاهی است. در اینجا کلمه‌ی «مأبأ» اسم مکانی است که به جهنم برمی‌گردد و با بکارگیری صفت و مکان آن صفت میان این آیات ارتباط برقرار شده است. از سویی دیگر؛ مکان سوره همان روز قیامت است که در آن نیکوکاران و بدکاران سزای اعمال خود را خواهند دید و بدین ترتیب این نوع تصویرسازی که از طریق مکان در سوره‌ی مذکور در ذهن خواننده نقش می‌بندد، یکی از موارد پیوستگی آن است، به عبارت دیگر مفاهیم ثانویه مکان با ارتباط برقرار کردن با مفاهیم اولیه در صدد بیان مضمون آیه است.

۵-۳-۳- فاصله

و در آخر آیات سوره نبأ شاهد صنایع بدیعی فاصله هستیم که مکان واحد بر می گردند و همین امر سبب انسجام آن از حیث وحدت اندام وار شده است. به عنوان نمونه، می توان به آیات زیر اشاره نمود:

﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ (نبأ/۲۰) ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبأ:۲۱) ﴿لِلطَّاغِينَ مَأْبَأٌ﴾ (نبأ:۲۲)

در آیات مذکور خداوند متعال اشاره کرده است که: کوه‌ها را روان کنند و (چون) سرابی گردند، آری جهنم (از دیرباز) کمین‌گاهی بوده و برای سرکشان، بازگشت‌گاهی است. کلماتی که به عنوان فاصله در متن قرآن آمدند که سبب ایجاد وزن و موسیقی در آخر آیات شدند و تکرار آنها در پایان هر آیه و تکرار آن در آیات دیگر سبب تکرار همان موسیقی شده

است و همین امر سبب انسجام بین آیات ز حیث موسیقی شده است که نقش بسزایی در انسجام آن داشته است.

۵-۴ سبک واحد.

مهم‌ترین ویژگی سبکی سوره‌ی «نبأ»، ساختار آن است و همه‌ی رویدادها در این سوره در یک بافت هماهنگ بدون هیچگونه آشفتگی رخ داده است. از سویی دیگر؛ خاصیت دوگانه‌ی همه‌ی عوامل ساختاری در این سوره و هماهنگی ساختار با موضوع سوره یکی از مهم‌ترین عوامل وحدت اندام وار در آن است و ساختار سوره بگونه‌ای است که آیات ابتدایی آن دارای ارتباط معنایی با دیگر آیات هستند. همچنین آیات مابعد نیز دارای ارتباط معنایی دور و نزدیک با آیات ماقبل و مابعد خود هستند. به‌عنوان نمونه، می‌توان به آیات زیر اشاره نمود که در جدول به آنها پرداخته شده است که خواننده با کمک اطلاعاتی که از آیات ماقبل آن دارد منظور و مقصود آیات و ارتباط میان ساختار و مضمون آنها را درک خواهد کرد. از سویی دیگر؛ خود این آیات در سوره‌ی «نبأ» با آیات دیگر قرآن کریم که در وصف قیامت آمده است از جمله در سوره‌های بقره، نساء و... نیز دارای رابطه‌ی بینامتنیت هستند که این امر ارتباط و پیوستگی میان آنها را بخوبی نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، می‌توان به روابط بینامتنیت در آیاتی از سوره‌ی «نبأ» که در جدول زیر ذکر شده است، درک آسانی که در سطوح دوم آمده، نیازمند توجه به دانش قبلی است که ممکن است در سوره‌های دیگری پیش‌تر نازل شده به گونه‌ای دیگر و عیباراتی متفاوت گوش‌زد شده باشد:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ (۱) ﴿عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ﴾ (۲)	﴿إِنَّ یَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِیقَاتَا﴾ (۱۷)
﴿كَلَّا سَیَعْلَمُونَ﴾ (۴) ﴿ثُمَّ كَلَّا سَیَعْلَمُونَ﴾ (۵)	﴿إِنَّ یَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِیقَاتَا﴾ (۱۷)
﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (۲۱)	﴿إِنَّهُمْ كَانُوا لَا یَرْجُونَ حِسَابًا﴾ (۲۷) ﴿وَكَذَّبُوا بِآیَاتِنَا كِذَابًا﴾ (۲۸)

نتیجه

نتایج پژوهش بیانگر آن است که:

- ۱- در متن سوره‌ی "نبأ"، مجموعه‌ای از عوامل پیوستگی و انسجام در خدمت مضمون قرار گرفته‌اند که نقش بسزایی در انتقال مفهوم آیات به خواننده ایفا می‌کنند.
- ۲- در سوره نبأ به بیان عاقبت و سرنوشت دو گروه از انسان‌ها؛ یعنی گناهکاران و نیکوکاران در این دنیا و آخرت می‌پردازد و رویدادها و مکان‌ها در سوره بصورت یک

داستان در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند که این امر انتقال مفهوم مورد نظر به خواننده را آسان می‌سازد، از این رو بین عوامل انسجام واژگانی از جمله تضاد و موضوع در این قصیده ارتباط وجود دارد.

۳- با توجه به عوامل وحدت اندام وار در این سوره مشخص می‌گردد که زمان، مکان، صفات و ساختار آیات، به شکل هماهنگ و منسجم با یکدیگر بکار رفته‌اند و این سبک برجسته در انسجام میان آیات بیانگر اعجاز و هماهنگی میان رویدادها است. از سویی دیگر؛ این امر به تصویرسازی حوادث در ذهن خواننده و درک مفاهیم و آگاهی یافتن از عواقب نیک یا بد اعمال انسان‌ها کمک نموده است.

۴- در متن سوره‌ی "نبأ"، شاهد انواع روابط معنایی سبب و نتیجه، عام و خاص و انواع دیگر هستیم که سبب شده خواننده به نعمت‌هایی که خداوند متعال به وی ارزانی داشته است و نیز ارتباط آنها با عاقبت اعمال خویش پی ببرد و همچنین سبب وحدت اندام وار در این سوره شدند.

۵- رویدادها در سوره‌ی "نبأ" بصورت پلکانی رخ می‌دهند و در آنها شاهد دو صحنه هستیم که یکی مرتبط با دنیا و دیگری مرتبط با آخرت است و در این میان مجموعه عوامل پیوستگی؛ از جمله حذف، وصل و ارجاع سبب شده‌اند که میان دو صحنه‌ی مذکور ارتباط معنایی برقرار شود. همچنین با توجه به صفات و تعاریف در این سوره می‌توان چنین گفت که در آن، رویدادها به ماهیتی مشخص برمی‌گردند که از میان آنها ارجاع به روز محشر نسبت به دیگر انواع ارجاع بیشتر می‌باشد و این امر بیانگر آن است که حوادث و رویدادها در سوره‌ی مذکور حول محور روز قیامت می‌چرخند.

۶- همچنین مجموعه‌ای از عوامل در این سوره؛ از جمله ضمائر، حروف تعریف و حذف در خدمت بافت سوره‌ی مذکور قرار گرفته و سبب ایجاد سبکی واحد و هماهنگ شده‌اند. از سویی دیگر؛ مجاورت عوامل گوناگون مانند ارتباط زمانی و مکانی، ارتباط با ساختار متن و نیز انواع روابط معنایی سبب پیوستگی و انسجام متن سوره شده است.

۷- در متن سوره‌ی "نبأ"، مجموعه عوامل بکار رفته؛ از جمله زمان، مکان، صفت و مجموعه‌ای از رویدادها در خلقت جهان هستی و ارتباط منسجم میان آنها و همچنین ارتباط میان تصویر و مضمون سبب شده است که متن سوره بصورتی هدفمند در خدمت بیان اهداف والایی که رهگشای مسیر زندگی و سرنوشت انسان‌ها در زندگی باشد، قرار گیرد.

۸- متن سوره‌ی "نبأ" حاوی اطلاعات و وقایع منسجمی است، این وقایع و رویدادهای مرتبط با خلقت جهان هستی توسط خداوند متعال آغاز می‌گردند و به سعادت‌مندی انسان‌ها

یا گمراهی آنها توسط وجدان و یا اراده‌ی آنها منتهی می‌شود. در این میان نقش پرسش ابتدایی آیه و پاسخ به آن در متن سوره و ارتباط و هماهنگی میان رویدادهای گوناگون و ارتباط زمانی میان آنها و آغاز حوادث در این جهان و وقوع آنها در جهانی دیگر، همچنین تقابل رویدادهای گوناگون؛ از جمله دنیا و آخرتی که بصورت تلویحی در مضمون آیات نهفته و بیان آشکار حوادث و وقایع در قیامت و دیدن نتیجه‌ی اعمال سبب شده است که متن سوره‌ی مذکور برای خواننده پذیرفتنی باشد.



منابع

قرآن کریم.

- ، روبرت، (۱۹۹۸م)، کتاب نص الخطاب الإجراء، ترجمة: تمام حسان، الطبعة الأولى، القاهرة: عالم الكتب.
- احمدی زاده، فاطمه، (۱۳۹۵)، بررسی کاربرد دلالتی حیوانات در نهج البلاغه براساس نظریه‌ی زبان‌شناسی دی بوگراند، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی.
- الخطابی، محمد. (۱۹۹۱م). لسانیات النص (مدخل إلى إنسجام النص). ط۱. بیروت: المركز الثقافي العربي.
- دی بوجراند، روبرت، (۱۹۹۸م)، الأصول الخطاب الإجراء، ترجمة: تمام حسان، القاهرة: عالم الكتب.
- قیاس، لینده، (۲۰۰۹م)، لسانیات النص النظرية والتطبيق؛ مقامات الهمدانی أنموذجاً، القاهرة: مكتبة الآداب.
- محسنی، حسین، رزمی، افسون، (۱۳۹۸)، بررسی کاربریست عوامل هفتگانه متن‌وارگی در توسعه‌ی دلالتی در قرآن کریم، پژوهش‌های ادبی- قرآنی، ش ۴، ۱۳۶-۱۰۷.
- نظری، علیرضا، (۱۳۹۲)، کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش‌نامه‌ی نهج البلاغه، ش ۳، ۵۴-۳۴.
- یونس علی محمد، محمد، (۲۰۰۵-۲۰۰۴م)، المعنى فى ظلال المعنى أنظمة الدلالة فى العربية، طرابلس: دار المدار اسلامى.



Reference:

- The Holy Quran.
- Ahmadizadeh, Fatemeh, (2015), Examining the denotative use of animals in Nahj al-Balagha based on de Beaugrand's theory of linguistics, Master's thesis, Mohaghegh Ardabili University. [In Persian]
- Al-Khattabi, Mohammad. (1991). Linguistics of the text (introduction to the coherence of the text). i. 1. Beirut: Arab Cultural Center. [In Arabic]
- De Beaugrand, Robert, (1998), Text of Al-Khattab al-Jari, translated by Tammam Hasan ,al-Awal, Cairo: Alam al-Kotob. [In Arabic]
- Mishkin Pham, Betoul, Rahimi, Masoumeh, (2018), The role of repetition in the integration of a part of Surah Hud by relying on the models of Halliday and Hassan, researches of Quranic and Hadith sciences of Al-Zahra University Vol.4. [In Persian]
- Mohseni, Hossein, Razmi, Afsun, (2018), Investigating the application of the seven factors of chromaticism in the development of meaning in the Holy Quran, Literary-Quranic Researches, Vol. 4, 107-136. [In Persian]
- Nazari, Alireza, (1392), The function of relative adverbs in the coherence of parts of Nahj al-Balagheh's sermons, Nahj al-Balagheh Research Quarterly, Vol. 3, 34-54. [In Persian]
- Qiyas, Linda, (2009), Linguistics of the theoretical text and application; Al-Hamdani's authorities, Cairo: Al-Adab School. [In Arabic]
- Younes Ali Muhammad, Muhammad, (2004-2005), Al-Ma'ani fi Zhalal al-Ma'ani Nizam al-Dalalah fi al-Arabiya, Tripoli: Dar al-Madar Islami. [In Persian]

